



تک شماره ۱۵ ریال

۱۵ خرداد، روز تجلی اراده مردم ایران

برضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع با شکوه فراوان برگزار شد

مراسم ۱۵ خرداد، بزرگترین تظاهر ضد امپریالیستی پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع بود

خود از شور و آگاهی انقلابی مردم خبر میدهند و از آن نیروی عظیم، که آماده درهم کوبیدن ارتجاع و امپریالیسم است، یکی از خبرنگاران «مردم» می نویسد، «من از دروازه غار همراه صف طولیل مردان و زنان رنج دیده، حرکت کردم. دروازه غار در زمان شاه مخلوع، مظهر بقیه در صفحه ۳

گرامی داشت و عزم خود را برای ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، در میهن ما، زیر رهبری امام خمینی اعلام کرد. خبرنگاران و گزارشگران «مردم» که از ۸ نقطه همراه صفوف همفکره مردم راه پیمائی کرده اند، در اخبار و گزارش های

صهیونیسم و ارتجاع به گوش جهانیان رسید. ۱۶ سال پیش، روز پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، میدان توپخانه یکی از کشتارگاه های شاه جانی بود. امسال، خلق قهرمان ایران، که رژیم خونخوار آریامهری را سرنگون کرده، در چنین روزی، یاد شهدای پانزدهم خرداد را

توپخانه، بار دیگر درخشم و خروش ملیونی توده ها بیدار شد و میدان قدیمی، که ۱۶ سال پیش جلادان شاه مخلوع در آن خون هزاران رزمنده را بر بستر داغ خیابان ریخته بودند تا رژیم را نجات دهند، به ستاد نبردی مبدل شد که از آن فریاد طوفانی خلق علیه امپریالیسم و



گوشه ای از تظاهرات توده ها به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد

جبهه ها آشکار تر میشود!

× در افق سیاسی ایران، همراه با لایه بندی های جدید اجتماعی، دو خط مشی مشخص سرعت شکل روستتری می گیرد و در عین حال مبارزه و مقابله این دو مشی تشدید میشود.

یکی از این دو مشی، که ما آنرا دموکراتیسم انقلابی می نامیم، مبارزه با امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم امریکا را هدف اصلی خود قرار داده و با تعقیب عمل امپریالیسم و ارتجاع، از طریق کمیته ها و پاسداران و محاکمه اشان در دادگاه های انقلاب، قصد ریشه کن کردن امپریالیسم را دارد، تا از این طریق بتواند جامعه ای را بنا کند که در آن نقش اساسی برعهده توده ها، یا به بیان امام خمینی مستضعفین باشد. چنانکه دیده میشود، امام خمینی بطور کلی منعکس کننده این خط مشی است.

خط مشی دوم، که همان مشی سیاسی بورژوازی لیبرال است، ظاهرا آزادی های دموکراتیک را محور مبارزه خود قرار داده ولی در واقع قصد احیاء سرمایه داری وابسته را در ایران دارد.

بورژوازی لیبرال، از آن رو در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کرد که الیگارشی خانواده پهلوی و اطرافیان، با آن آمیختگی وسیعش با امپریالیسم، که در استبداد بسیار خشن منعکس میشد، راه را بر فعالیت های اقتصادی و سیاسی بورژوازی لیبرال نیز بسته بود. بعد از پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال، که تا لحظه انقلاب متحد صفوف خلق بود، انقلاب را پایان یافته تلقی کرد و تلاش را برای در دست گرفتن قدرت آغاز نمود. بورژوازی لیبرال، چنانکه امام خمینی اخیرا از مذاکرات نمایندگان آنها و خواستهایشان در پاریس پرده برداشته است، نه تنها موضع ضد امپریالیستی ندارد، بلکه غرب «دمکراتیک» را به رسمیت می شناسد و خواستار حفظ و گسترش روابط با آن است. بعد از درهم شکستن مواضع سرمایه داری بزرگ وابسته توسط انقلاب، بورژوازی لیبرال میخواهد این مواضع درهم شکسته را ترمیم کند و این بار خود، ایران را در جاده سرمایه داری هدایت کند. درست بخاطر همین موضع طبقاتی است که بورژوازی لیبرال قصد متوقف کردن انقلاب را دارد و کلمه مستضعفین را هم توهین تلقی می کند. اکنون چشم امید امپریالیست های غربی، بعنوان «حداقل مطلوب»، به بورژوازی لیبرال بسته شده. امپریالیسم میکوشد با تضعیف موضع امام خمینی، موضع بورژوازی لیبرال را تقویت کند. بورژوازی لیبرال هم - به سبب خود، با کوشش برای از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم، سعی در جلب توجه و پشتیبانی بیشتر آن را دارد.

مقابله این دو خط مشی، بعد از آنکه امام خمینی بدنبال یک بقیه در صفحه ۳

امام خمینی زحمتکشان را صاحب انقلاب دانست

چست. ببینید زندگی این کشاورز چیست. برای اینها فکر کنید.» امام در دنباله سخنان خود طبقات پائین اجتماع را صاحب حقوق بشر دانست و گفت:

«آنها که دلشان برای مستمندان، و برای بشر میسوزد، همین زن های اطراف شهر قم و زن های جنوب تهران و زن های جنوب همه شهرستان ها بودند، جنوب به آن معنا که شما می گوئید. از طبقه بقیه در صفحه ۴

«شما مثل قشر زحمتکش قیام کننده ایران حقوق بشر را اجرا کنید، زیرا اینها جمعیت حقوق بشر هستند...» «این کارگرا، این دهقانها جمعیت حقوق بشر و حقوقدان هستند، اینها عمل می کنند و شما فقط می نویسید. می گوئید و میخواهید نهضت را منحرف کنید.» امام افزود:

«ببینید زندگی این طبقه کارگر چگونه است. ببینید زندگی این کاسب

امام خمینی دریامی که به مناسبت پانزدهم خرداد فرستاد، زحمتکشان را صاحب انقلاب ایران دانست و از همه گروه های اجتماع خواست که باهم متحد شوند. امام خمینی در بخشی از سخنان خود گفت:

«هرچه هست این قشر پائین است. این قشر کارگر، این قشر کشاورز، این قشر تاجر مسلم و کاسب مسلم است. این روحانی متعبد است، هرچه هست از این قشر است.»

امام در بخش دیگری از سخنان خود از حقوقدانان و جمعیت حقوق بشر ایران خواست که دنبال حقوقدانان غربی نروند و گفت:

رویدادهای ایران

- ۱- خلیج فارس در واقع هم خلیج امریکا بود
- ۲- ادامه کار دادگاه های انقلاب چرا باید مختل شود؟
- ۳- یکبار دیگر مشت جاعلین تاریخ حزب توده ایران باز شد. مشروح خبرها در صفحه ۲

مردم، از گان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۷، تلفن، ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹

تضاد عمده هنوز تضاد با امپریالیسم است

لبه تیز مبارزه باید علیه امپریالیسم باشد

سازد و جامعه را بسوی پیشرفت همه جانبه، بسود طبقات و قشرها و گروه های اجتماعی ذینفع در انقلاب رهنمون گردد. در این هدف های کلی، همه نیروهای سبیم در انقلاب، صرف نظر از اختلاف یا تفاوت در جهان بینی و ایدئولوژی، در نظریات و عقاید سیاسی و چگونگی بیان و کار برد اصطلاحات و مفاهیم، شریک هستند.

ولی با وجود این اشتراك در هدف های کلی، در تعبیر و تفسیر و حدود و مرزهای آنها، و بخصوص در مسئله بقیه در صفحه ۴

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیستی (ملی) و ضد استبدادی (دمکراتیک). از این رو نخستین وظیفه این انقلاب سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک پهلوی، بمثابه مظهر و پیوندگاه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی بود.

سرنگونی این رژیم هدف نهائی نبود، بلکه نخستین گام در راه انقلابی بود که باید تمام مظاهر و پی آمدهای سلطه امپریالیسم و استبداد را در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه ریشه کن

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

رویدادهای ایران

● خلیج فارس در واقع هم خلیج امریکا بود

آیت الله خلخالی، که از کشورهای خلیج فارس دیدن کرده، برای نخستین بار اخباری را فاش ساخت، که در طول کار دادگاههای انقلاب و در جریان بازجویی و محاکمه جنایتکاران و عمال رژیم سرنگون شده، بدست آمده است. ما ضمن تاکید بر این نکته بسیار مهم، که تمام اطلاعات بدست آمده از محاکمه این متهمان مهبایست باطلاع مردم برسد تا توده‌ها خود تشخیص بدهند که دوست کیست و دشمن در کجا کمین کرده و میکند، نکات برجسته این افشاگری بمسوق را در اینجا می‌آوریم:

افسران ارشد نیروی هوایی ایران در جریان دادرسی فاش کردند که ده هزار مستشار نظامی اسرائیل و چهل هزار امریکائی، که در دوران رژیم شاه مخلوع در ایران اقامت داشتند، در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳، از ارتش اسرائیل پشتیبانی لجستیکی کرده بودند، همچنین مقدمات قتل‌سختن از رهبران فلسطین، که در آوریل ۱۹۷۳ در خیابان وردن بیروت کشته شدند، توسط ماسوران ساواک با همکاری نزدیک سرویس‌های مخفی اسرائیل، در تهران، فراهم شده بود.

آیت الله خلخالی در همین سفر و در مصاحبه‌ای که با وی در ابوظبی صورت گرفت، اعلام داشت که، انقلاب ایران تنها با شخص شاه مخلوع مخالف نیست، بلکه مخالف کلیه نیروهای امریالیستی و صهیونیستی است، که از او حمایت کرده‌اند. در دوران رژیم شاه سابق، خلیج نه ایرانی بود و نه عربی، بلکه خلیج امریکائی بود.

● یکبار دیگر مشت جاعلین تاریخ حزب توده ایران باز شد

گروهکهای که در کمین نشسته‌اند تا از هر فرصت بدست آمده، ضربه‌های طرف حزب توده ایران پرتاب کنند، ظاهراً از مدت‌ها قبل در کمین نشسته و خویم آماده کرده بودند تا در آستانه سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد، با انتشار مشت‌چملیات بصورت اعلامیه و به اصطلاح خودشان «تحلیل»، «مدرک»، «مجموع تبلیغاتی جدیدی را علیه حزب توده ایران برای اندازند و بخیال خودشان ثابت کنند که، مشی کنونی حزب مبنی بر پشتیبانی از امام خمینی ناشی از فرصت طلبی است.

طبق اطلاعاتی که بدست ما رسیده، برخی از این گروهکها، که برای طبقه کارگر ایران سینه‌هم‌چاک میدانند، جزوه مربوط به ۱۵ خرداد و حمله به حزب توده ایران را چاپ و افراد بی‌خبر از تاریخ و حقایق مربوط به حزب توده ایران خود را برای توزیع وسیع این جزوه بسیج هم کرده بودند که با انتشار جزوه «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد» هم‌رشته‌ها پنبه شدیدی یکبار دیگر حقایق مربوط به تاریخ حزب توده ایران مشت آنها را که با انکار واقعات و جعل رویدادها، قصد فریب خود و یاران نشان را دارند و حتی پارافرتی گذاشته می‌خواهند ذهن توده‌های مردم را درباره این حزب خراب کنند، باز کرد.

انتشار این جزوه، که سرعت از سوی مردم خرید و شد و نایاب گشت، یکبار دیگر این حقیقت را ثابت کرد که، مشی کنونی حزب توده ایران مربوط به امروز و دیروز نیست و ریشه‌هایش در گذشته‌ها، در حقایق علاقه‌دارند، قبل از آنکه در اتهامات گروهکهای ماوراء چپ و برخی افراد مغرض و با سوء نیت جستجو کنند، میبایست در انتشارات حزب توده ایران پیدا کنند.

● ادامه کار دادگاههای انقلاب چرا باید مختل شود؟

ادامه کار دادگاههای انقلابی در چند شهرستان، بدلائل مختلف، یا مختل شده و یا بکلی متوقف گردیده است. این رویداد در چند شهر با اعتراض بحق مردم روبرو شده، که گاه با تظاهرات و گاه با صدور اعلامیه و نامه سرگشاده خطاب به زهبران انقلاب بیان گردیده است. در تمام این اعتراضها يك نگرانی بحق نهفته است و آن سوءاستفاده ضدانقلاب و عاملین رژیم گذشته از این شرایط است همچنین در بعضی شهرها، حکمهایی که در دادگاههای انقلاب صادر شده، موجب اعتراض بحق مردم قرار گرفته است. بعنوان نمونه، در زنجان، اعلامیه‌ای از سوی پاسداران دمهرلو منتشر شده که در آن آمده است: «آیا در زنجان کسی شهید نشده؟ آیا قاتلان برادران شهید ما آسمان آمده بودند؟

کدام خانواده شهید است که خون فرزند خود را با پول معامله کند؟ کدام قاضی شرع میتواند برای قتل در شرایط کنونی انقلاب «دیه» تعیین کند؟ این پاسداران از دادگاه انقلاب اسلامی زنجان خواسته‌اند که در محاکمات دقت بیشتری بکنند و حقانیت و انقلابی بودن خود را با آرای بحق خویش بشیون برسانند. قصاص کنید همانطور که بر ما گذشت.

همچنین گروه دیگری از پاسداران انقلاب اسلامی این شهر، به روش صدور حکم دادگاه انقلاب زنجان اعتراض کرده در قطعه‌نامه ۷ ماده‌ای خود خواستار تجدید نظر در آرای محاکمات گذشته این دادگاه شده‌اند. از شهر رشت نیز گزارش میرسد که بیش از ۱۵ روز است که این دادگاه حاکم شرع ندارد و ۲۰ اکون ۲۰ پرونده، که آماده مطرح شدن در دادگاه است، را که مانده و بیش از ۳۰ مهتم در انتظار محاکمه‌اند. بدلائل یاد شده، دادرسی انقلاب اسلامی رشت کار خود را متوقف کرده است.

توانند دوام آورند. بهمین جهت مبارزه علیه امریالیسم از مبارزه علیه ارتجاع و استبداد جدائی ناپذیر است.

در دوران پس از انقلاب نیز همین پیوند وجود دارد. امریالیسم فقط با توسل به بازمانده‌های ارتجاع و استبداد سرکوب شده میتواند تسلط خود را از نو برقرار سازد و بقایای ارتجاع و استبداد نیز فقط به پاری امریالیسم میتواند، قدرت از دست رفته را بازیابد (البته منظور بازگشت فردو احياء استبداد و استبداد سابق نیست، بلکه احياء ارتجاع و استبداد بطور کلی مورد نظر است).

مبارزه ضد امریالیستی عمده است. ولی با آنکه میان مبارزه علیه امریالیسم و مبارزه در راه دموکراسی پیوند وجود دارد و مبارزه علیه یکی بدون مبارزه علیه دیگری میسر نیست، در مراحل اولیه درصفت

دوران های مختلف انقلاب متفاوت است) و این آزادی بسود اکثریت ذینفع در انقلاب علیه اقلیت ذینفع درضد انقلاب است. این همان دموکراسی بمعنای اصیل خود است.

حزب توده ایران آزادی را بمعنای آزادی برای تمام نیروهای اجتماعی، ام از نیروهای هوادار انقلاب و نیروهای هوادار ضد انقلاب نمیداند. این آزادی را بمعنای آزادی برای نیروهایی هم که با گفتار و کردار ناسنجیده و بی‌مسئولیت خود بطور نادانسته به ضد انقلاب یاری میرسانند، نمیداند. این نوع آزادی کار را به هرج و مرج میکشاند و سرانجام انقلاب و آزادی را در مسلخ ضد انقلاب و استبداد قربانی میکند.

حزب توده ایران آزادی را بمعنای آزادی یکجانبه برای اندیشه و مسلک خاص، بزبان سایر اندیشه‌ها و مسلک‌ها نیز نمیداند. زیرا در انقلاب نیروهای مختلف، با اندیشه‌ها و مسلک‌های متفاوت، ذینفع و شریک و سهیم هستند. حزب توده ایران هوادار تنوع در اندیشه و مسلک و تحزب در جریان های سیاسی است. تامین آزادی فقط برای اندیشه و مسلک خاص، کار را به انحصار طلبی در عرصه اندیشه و سیاست میکشاند. حل معضلات اجتماعی را در دنیای بسیار پرنوع و پیچیده کنونی دشوار میسازد و به تکامل اندیشه و جامعه خصلت يك بعدی می‌دهد. اگر مطلق کردن آزادی موجب هرج و مرج میگردد، انحصار طلبی در آن کار را به استکراسیسم میکشاند. با اینکه هر يك از اندیشه‌ها و مسلک‌ها، متناسب با نیروی هوادار خود در جامعه، حق و سهم شرکت در دولت و اداره کشور دارند، برای جولان و رقابت آزاد آنها در جامعه باید حق و سهم برابر بوجود آید.

آزادی بمعنای دموکراتیک آن (نه بمعنای لیبرالیستی) مفهومی است پمرا تپ گسترده تر از آزادی اندیشه و آزادی بیان و قلم. و این آن چیزی است که برخی از روشنفکران ما توجه لازم به آن ندارند.

آزادی های دموکراتیک فقط زمانی واقعی و با محتوی است که منافع خلق را بطور اعم و منافع توده زحمتکش را، که اکثریت مطلق خلق را تشکیل میدهند، بطور احصا، تامین نماید. دموکراسی باید در تمام نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه رعایت شود. دموکراسی واقعی سیاسی، به معنای شرکت مستقیم و برابر حقوق تمام خلق در تمام ارگان‌های دولتی است. دموکراسی واقعی اقتصادی (در شرایط کنونی جامعه ما) بمعنای آزادی در مبارزه طبقاتی و حق شرکت زحمتکشان در اداره امور واحدهای اقتصادی است. دموکراسی واقعی بمعنای آزادی و برابری خلق‌ها، آزادی و برابری زنان، حق کار، حق مسکن، حق برخورداری برابر از آموزش و بهداشت و غیره است، یعنی با حقوق دموکراتیک پیوند ناگسستنی دارد. بدون تمام اینها، آزادی و دموکراسی کلماتی پوچ و بی-محتوی خواهد بود. درباره آزادی بیان و قلم تا بخواهی میتوان سخن راند و قلم زد ولی اگر این آزادی، نخواهد و یا نتواند در راه تامین حقوق و آزادی‌های بنیادی گام بردارد، آب در هاون کوییدن خواهد بود.

پیوند مبارزه ضد امریالیستی و ضد استبدادی

میان مبارزه علیه امریالیسم (یا مبارزه ملی) و مبارزه علیه استبداد (یا مبارزه در راه دموکراسی) پیوند ناگسستنی وجود دارد. امریالیسم برای برقراری، حفظ و تشدید تسلط خود به نیروهای خودفروش و ارتجاعی در داخل کشور نیاز دارد و باین نیروها تکیه میکند. این نیروها فقط از راه دیکتاتوری میتوانند نفوذ امریالیسم و سیطره خود را به جامعه تحمیل کنند. امریالیسم خارجی بدون ارتجاع و استبداد داخلی نمیتواند به غارت خود ادامه دهد و ارتجاع و استبداد داخلی نیز بدون پشتیبانی امریالیسم خارجی نمی-

بقیه از صفحه ۱ تصاد عمد...

پیوند میان دو جانب ضد امریالیستی و ضد استبدادی، و یا به بیان دیگر، میان دوجنبه ملی و دموکراتیک این انقلاب، برخی ناروشنی‌ها، ساده اندیشی‌ها و حتی گمراهی‌هایی وجود دارد، که بطور عمدۀ ناشی از مواضع و منافع طبقاتی آن طبقات و قشرها و گروههایی است که در این انقلاب شرکت داشته‌اند.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امریالیستی انقلاب ایران، انقلابی است ضد امریالیستی. باین جهت این انقلاب باید دست امریالیسم را از تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی ما کوتاه کند. کوتاه کردن دست امریالیسم فقط با خروج از پیمان سنتو، پایان دادن به تسلط کارتل نفت، قطع خریدهای نظامی، اخراج کارشناسان انحصارها و کشورهای امریالیستی (آنها بطور محدود) فیصله نمینماید. برای مبارزه قاطع و بنهائی با امریالیسم، باید تمام مظاهر و عوامل آشکار و نهان آنرا از میان برد، تمام قراردادهای را که بر پایه نابرابری حقوق و نفع یکجانبه امریالیسم، بخصوص امریالیسم امریکا، به مبین و مردم ما تحمیل شده، لغو کرد، به تمام وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و فنی خاتمه داد و به فعالیت عمال داخلی انحصارها، که بصورت سرمایه-داران بزرگ وابسته عمل میکنند نقطه پایان گذاشت.

مبارزه با امریالیسم يك مبارزه صرفاً داخلی و ملی و يك مبارزه غیر فعال بر پایه «عدم تفهید» مطلق نیست. آگس مبارزه با امریالیسم فقط به چارچوب مرزهای ایران و برای حفظ منافع آنی و صرفاً ملی محدود گردد و همراه با تمام کشورهای ضد امریالیست در مقیاس بین‌المللی علیه امریالیسم جهانی متوجه نگردد، به تنها کشور ما در گرداب ناسیونالیسم (ملیت گرایی) غرق خواهد کرد و آنرا به انزوا و افراد محکوم خواهد ساخت، بلکه برای امریالیسم، بمنظور دست‌یازی مجدد به منافع ملی ما، امکان بیشتری بوجود خواهد آورد و منافع دراز مدت مبین ما را به خطر خواهد انداخت.

دامنه مبارزه علیه امریالیسم را نباید در چارچوب منافع صرفاً ملی و مذهبی و مسلکی محدود کرد. امریالیسم نیروئی است جهانی و برای حفظ منافع و گسترش سیطره خود، آسیای و آفریقای، ایرانی و غیر ایرانی، مسلمان و مسیحی، مذهبی و غیر مذهبی، مارکسیست و غیر مارکسیست نمیشناسد. مبارزان ضد امریالیست نیز باید چنین باشند. از اینجاست که چشم بسته به همه‌تاختن، چپو راست، شرق و غرب را با هم کوییدن، نمیتواند راهی درست و سیاستی دوراندیشانه باشد. در برابر اتحاد نامقدس امریالیسم جهانی، باید اتحاد مقدس از همه نیروهای راستین ضد امریالیست بوجود آورد. تکروی کار را به بیراهه میکشاند.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد استبدادی

انقلاب ایران، انقلابی است ضد استبدادی. باینجهت این انقلاب باید تمام مظاهر استبداد پهلوی را از میان بردارد و سهمتی از آن، تمام شرایط و عواملی را که بنحوی ارتجاع بتواند موجود هر شکلی از استبداد، در هر رنگ و لباس که باشد، ریشه کن سازد.

گاه آزادی به معنا و مفهوم صحیح آن درک نمیشود. آزادی مطلق و خالص وجود ندارد. آزادی برای آزادی هم نیست آزادی مفهومی است نسبی: آزادی برای طبقات، قشرها و گروههای معین و عدم آزادی برای طبقات، قشرها و گروههای دیگر. آزادی میتواند برای استثمارگران باشد. این آزادی بسود اقلیت بهره‌کش و بزبان اکثریت بهره‌ده است. آزادی می‌تواند برای خلق باشد (مفهوم خلق در

«مردم» و مردم

از دوست ارجمند، فلورا تیزابی، نامه‌ای دریافت کرده‌ایم که در آغاز این ستون عین آنرا نقل میکنیم.....

رفقای عزیز در ابتدای نامه‌ام اجازه می‌خواهم که صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را نسبت به انتشار مجدد «روزنامه مردم» به استحضار رسانیده و بگویم که در این دوران، تضاد عقاید و ایدئولوژی‌ها به اوج رسیده است و این موقعیت بزرگی بود که «مردم» توانست از هفته‌ای یکبار انتشار خود را به هفته‌ای سه‌بار برساند.

سیاس، تریک و آرزوی موفقیت خود را به خاطر زحمات بیدریغ همه همسنگران حزبی تقدیم میدارم. رفقا پس از مطالعه چندین شماره «مردم» که پس از انقلاب ضد امریالیستی مبین عزیزان منتشر شد نکته‌ای را که بنظرم رسیده است با تمام دست‌اندرکاران «مردم» در میان میکندارم.

ما فیکه میدانیم که «مردم» تنها برای اعضا هواداران حزب منتشر نمیشود. بلکه در این بلوای پر آشوب عقاید، هستند جوانان عزیز که نمیدانند کدامین راه را برگزینند و سرگردان برس چند راهی ایستاده‌اند. چاپ یک سری مطالب آموزشی، تاریخچه حزب و خصوصاً توضیح و تعریف خط مشی حزب از اهم موارد است این وظیفه حزب طبقه کارگر - حزب توده ایران - است که با بحثی عمیق اماروان از هر گونه انحراف جلوگیری کند.

صمیمانه‌ترین درودهای خود را بناترها حزب خلقی، حزب توده ایران مینمایم.

يك خانم مذهبی در يك گفتگوی تلفنی با دفتر روزنامه مردم، ضمن تأیید روش پرمهانت و خود دارانه راه پیمان حزب توده ایران در روز پنجشنبه، رفقا زخشن و تحریک آمین مشی آشوبگری را که دائماً در طول مسیر سد معبر و مزاحمت ایجاد کرده قصد داشتند صفوف منظم آنها را درهم بریزند، مورد نکوهش قرار داد و گفت باعث تعجب است که چرا این گروه معلوم الحال و اخلاص‌گر معترض و مزاحم کسانی می‌شدند که شمارها و یلا کاردهای ضد امریالیستی و ضد صهیونیستی و جانبداری از دادگاههای انقلابی و ملت فلسطین و آیت‌الله خمینی با خود حمل میکردند، من حتی گریه کنان در مقابل آنها قرار گرفتم و یاد آور شدم که آنها برادران شما هستند، و شب هنگام که پس‌نامه‌های تظاهرات روز پنجشنبه از تلویزیون پخش میشد، تظاهرات همه گروهها و سازمانها و احزاب را نمایشی دادند، جن تظاهرات و راه پیمائی حزب توده ایران را و چون از این بابت سخت ناراحت شده بودم، اعتراض را تلفنی با مسئولین تلویزیون در میان گذاشتم.

خواننده گرامی نسرین م. یادداشت شما درباره تأثیر عمیق نمایشگاه شهدای تودهای رسید. البته باید با اندیشه و عمل روزبه، با ادامه راه حزب روزبه، بنوشته شما، برس دشمنان وی کوفت. موفق باشید.

یکی از دوستان در نامه خود مینویسد که در برخی کمیته‌ها اشخاص ناباب رسوخ کرده و رشوه‌خواری و فساد رایج شده، که همین‌ها تحریک و بوقه‌درانی هم میکنند. چند نمونه مشخص هم ذکر شده است. دوست گرامی رهبران بسیاری از کمیته‌ها و خود امام در درجه اول و جنود چنین خطر و لزوم تزکیه و تصفیه را خاطر نشان ساخته‌اند. در مورد نمونه‌های مشخص نیز، همانطور که خودتان نوشته‌اید، بررسی و تحقیق دقیق لازم است. باید دانست که هر خیری تا چه اندازه صحت دارد. باسلام شما و امید به پاکسازی کامل کمیته‌ها. بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

پانزده خرداد روز تجلی ...

ایران، برای بزرگداشت مراسم ۱۵ خرداد دست به راهپیمایی زده بودند، شانه به شانه هم حرکت میکردند. بر اساس همین گزارشها، در تمام مسیر راهپیمایی، مردم در وحدتی چشمگیر، مسلمانان و تودههای شانه به شانه هم، کارگر و کارمند دست در دست یکدیگر، زن و مرد همسوارا راهپیمایی کردند. در میان شعارها و پلاکاردها خواستعده مردم روشن بود: اول، نابودی امپریالیسم، سهیونسم و ارتجاع، دوم، وحدت زیر رهبری امام خمینی.

حرکت از ۸ نقطه ستاد برگزاری مراسم، میدانهای راه آهن، انقلاب، شهدا، خراسان، دروازه غار، سه راه زندان، چهارراه لشکر

فقر و ستم جامعه سرمایه داری در ایران بود. مردم ستمدیده مادر بدترین شرایط، در بیخولهها و گودهای این محل زندگی میکردند. اکثریت راهپیمایان را هم اینان تشکیل میدادند. من در شمارهایشان، در تیر و مندی جانان در کینهشان به دشمن، نیروی شگفتی دادیم که قادر به فرو ریختن هر نیروی ضد مردمی است. خبرنگار دیگری «مردم»، که از میدان راه آهن «مراه مردم» حرکت کرده، می نویسد:

«بنداز سرتگومی شاه منحوس، این عظیمترین راهپیمایی مردم ایران بود. طبقات و اقشار مختلف مردم، که بدعت حزب جمهوری اسلامی، انجمنهای گوناگون اسلامی و دعوت عام حزب توده

اخبار کارگری

۲ سال است که در شرکت برج کار می کنند. اما هنوز حق مسکن، حق اولاد حق اضافه کاری، حق مرخصی و حقوق روزهای تعطیل را دریافت نکرده اند و اکنون حدود ۴ ماه است که خواستار حقوق قضیه شده شان می باشند. این کارگران که تعداد آنها مجموعاً نزدیک به ۸۰۰ نفر است، از دوسال پیش حق بیمه پرداخت می کرده اند، ولی هنوز بیمه نشده اند. یکی از کارگران می گفت: «ما از ۲۶ دی ماه سال گذشته دست از کار کشیدیم و به صفوف انقلابیون پیوستیم، ولی تاکنون هیچ حقوقی دریافت نکرده ایم. اکنون علاوه بر اینکه حقوق ۲۶ روز را، که کار کرده ایم، می خواهیم، حقوق این مدت را، که بیکار و سرگردان بوده ایم، نیز خواهیم. عده ای نزدیک به ۲۰۰ نفر از این کارگران از اهالی آذربایجان هستند. آنها خانواده شان را رها کرده و به اینجا آمده اند تا به وضع آنها رسیدگی شود. این عده شبها در خیابانها و یا در مساجد می خوابند. اینجا طی ۴ ماه بارها به فرمانداری، استانداری و اداره کار مراجعه نموده اند، اما هنوز مسئولین جواب قانع کننده ای به آنها ندادند. بنا به گفته کارگران، عده ای از همکاران آنها از درگیری خسته شده و اکنون به کار کشاورزی و مشاغل از این قبیل پرداخته اند.

تحصن رانندگان و کمک رانندگان بیکار

در حدود ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ نفر راننده و کمک راننده و سائط نقلیه بیکار در برابر کاخ نخست وزیری دست به تحصن زده اند. این کارگران مدت ۸ ماه است که بیکار هستند. چهار ماه قبل به وزارت کار مراجعه کردند که آنها را به وزارت راه و ترابری فرستادند تا از ماشین های این وزارت خانه که حدود سه سال است در بیابان های جاده ساوه خوابیده و در سرفاز بیرفتن است استفاده کنند. ولی مسئولان وزارت راه و ترابری از تحویل این ماشین ها به کارگران امتناع نمودند و پیشنهاد کردند که رانندگان باید ۴۰/۰۰۰ ریال پیش قسط بپردازند!

این سومین باری است که کارگران به نخست وزیری مراجعه می کنند. خواست کارگران اینست که ترمینالی ساخته شود و ماشین های راه و ترابری به آنجا برده شود و زیر نظر خود راننده ها، ماشین ها تعمیر شود و بدون پیش قسط، با اقساط عادلانه و با مدارکی که قابل قبول باشد، رانندگان شناسائی شوند و ماشین ها به آنها واگذار شود.

اکنون دبیرسندیکای رانندگان و کمک رانندگان سرگرم مذاکره با مقامات مسئول درباره خواست های کارگران است. کارگران می گویند اگر تکلیف ما را روشن نکنند و به تقاضای ما پاسخ مثبت ندهند، به تحصن خود ادامه خواهیم داد. کارگران معتقدند که اگر دولت نمی خواهد به آنها ماشین واگذار کند، شغل دیگری برای آنها تأمین نماید.

کارگران شرکت بوج دست به تحصن زدند

عده ای قریب به ۵۰ نفر از کارگران شرکت برج، در محل فرمانداری شهرستان قائم شهر، روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت، اجتماع نمودند. آنها خواستار رسیدگی به وضعیت بودند. این کارگران حدود ارتجاع، سراسر میدان را لحظه به لحظه در می نوردید. پاسداران انقلاب، که در تمام راه پیمایی ها حضور داشتند و بسا دقت تمام مراقب بودند، در اینجا نیز مراقبت را بعهده داشتند.

ساعت ۹/۵ صبح، صدها موتورسیکلت سوار، که در جریان انقلاب ایران، طلا به داران سپاه مردم بودند، در میدان دور زدند و آنگاه اولین صف راه پیمایان از خیابان ناصر خسرو به میدان رسید. بدنیال آن از ۶ خیابانی که به میدان می رسد، راه پیمایان، صف در پی صف، در جایی که میدان در شمارهای شورانگیز زنان و مردان غرق میشد، به جمعیت استادان کمتر پیدا میشد. جمعیت موج می خورد و سراسر میدان بزرگ در خشم انقلابی زنان و مردانی که در شعارهای ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی منعکس میشد، می سوخت.

تحصن ۲۰۰ کارگر شرکت «آرک فیروز»

۲۰۰ نفر از کارگران شرکت «آرک فیروز»، از روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه، در محل دفتر این شرکت، در خیابان تخت طاووس، دست به تحصن زدند.

کارگران خواستار گرفتن حقوق عقب افتاده خود هستند و اظهار میدارند که در جریان اوج گیری مبارزات انقلابی در پانزده سال گذشته، کارفرما به بهانه نبودن کار آنها را اخراج کرده و اکنون کارگران می خواهند که حقوق این مدت را، که از کارشان جلوگیری کرده اند، دریافت دارند.

شرکت «آرک فیروز» پیمانکار ساختمان پایگاه نیروی دریایی، در کنار چاه بهار است و در سال گذشته حدود سه هزار کارگر را در استخدام خود داشته، که اکثر آنها بلوچ و سبط دستمزدشان بسیار پایین بوده است. اکنون هم رئیس شرکت وهم مدیر کارگاه فراری هستند و ۲۰۰ کارگر مذکور برای مذاکره با وزارت کار و احقاق حقوق خود از چاه بهار به تهران آمده اند و روزهای متوالی است که در تهران سرگردان مانده اند و در شرایط بسیار بدی بسر میبرند.

و دانشگاه تهران را برای آغاز راه پیمایی در نظر گرفته بود، ساعت ۸ صبح، مردم گروه گروه در نقاط یاد شده جمع شدند و آنگاه بطرف میدان توپخانه حرکت کردند. گزارش فشرده راه پیمایی را از چند محل آورده ایم:

از میدان خراسان،

راه پیمایی میدان خراسان از ساعت ۹ صبح شروع شد. جمعیت بسیار زیادی در خیابانها و پیاده روها حرکت میکردند، که اکثر آنها از مردم زحمتکش بودند. زنان نیز تقریباً برابر مردان در آن شرکت داشتند. صدها شعار و پلاکاردها دیده میشد. برخی از شعارها چنین بود:

— کارکنان صنایع دفاع ملی، سنای آمریکا را بملت دخالت در امور داخلی ایران محکوم میکند.

— جمهوری اسلامی، خونهای جوانان ماست. این خونها را گرامی داریم.

— دشمن خلق ایران، در هر لباس باشد، اعدام باید گردد.

— ماهه سر باز امام خمینی هستیم. رابطه ما با آمریکا رابطه یک غارت شده با یک غارتگر است.

— دادگاه انقلابی مورد تأیید ماست.

— راه پیمایان صدها عکس از امام خمینی در دست داشتند و در دهها پلاکاردها بیانات امام درباره مبارزه با امپریالیسم و سهیونسم نقل شده بود. مردم در حال حرکت، در صفهای فشرده، از جمله شعارهای زیرین را تکرار میکردند:

— مرگ بر مفسدین، کارتر و سادات و بکین!

— پانزده خرداد آغاز نهضت ماست.

— خمینی بت شکن رهبر امت ماست.

— آمریکا دشمن ماست، الله یا ورماست.

— فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

از میدان شهدا،

نزدیک ساعت ۹ صبح هزاران نفر از میدان شهدا حرکت در آمدند. اکثریت راه پیمایان را کارگران و زحمتکشان تشکیل می دادند. تعداد زنان بسیار چشمگیر بود. راه پیمایان پلاکاردهای متعددی حمل می کردند، که برخی از آنها را نقل می کنیم:

* شمار ما در ۱۵ خرداد وحدت کلمه است.

* ما اجازه دخالت در امور داخلی کشورمان را به هیچ کشوری نمی دهیم.

* دادگاههای انقلاب را تأیید می کنیم.

* فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

* خمینی رهبر ماست، آمریکادشمن ماست.

* مرگ بر مفسدین، کارتر و سادات و بکین.

* خون شهدای ما منتظر جواب است، اعدام انقلابی تکمیل انقلاب است.

از دروازه غار

خبرنگار روزنامه «مردم» در ادامه گزارش خود از راه پیمایان دروازه غار می نویسد:

در پلاکاردهائی که مردم در دست داشتند از جمله شعارهای زیرین دیده، میشد:

— استبداد را بر انداختیم، استعمار را نیز ریشه کن می کنیم.

— روز پانزدهم خرداد قیام ملت ایران بر علیه امپریالیسم و حکومت طاغوت.

— راه پیمایان شعارهای زیرین را همراه با دهها شعار دیگر تکرار می کردند:

* آمریکا آمریکا راه نفوذ ندارد، انقلاب انقلاب هرگز وقفه ندارد.

* فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

سپیل جمعیت به میدان می رسید، ساعات نخستین صبح در جمعیت غرق بود. زنان و مردان در دو سوی میدان اجتماع کرده بودند، موج شمارها در پشتیبانی از امام خمینی و محکوم کردن امپریالیسم، سهیونسم و

بقیه از صفحه ۱۴

جبهه ها آشکارتر میشود

دیدار ۶ ساعته با همین دولت، بار دیگر مواضع خود را اعلام کرد. در شکل حادثه و روشنتری در افق سیاسی ایران جلوه کرد. بدنیال ضد امپریالیستی امام بود. بورژوازی لیبرال، از جمله در اظهارات نخست وزیر، حسن نزه رئیس شرکت ملی نفت و با استفاده از کنگره نمایش وسیع ضد آمریکائی، که جواب مثبت توده ها به موضع قاطع و کلای دادگستری، واکنش وسیعی نشان داد.

نمایندگان بورژوازی لیبرال در سخنان خود با خواستار ابقاء سرمایه داری وابسته در ایران شده اند و با حتی افتادن مردم را به چاه آنها ناگزیر دانسته اند. در حالیکه حسن نزه اعلام می کند که «تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می کنند، نمی دانند کجا باید پناه ببرند، نمی دانند کجا بروند نظم کنند و سرگردان مانده اند و نمیدانند تکلیف چیست» و با درخواست عفو عمومی می گوید: «صاحبان نفت و تجارت را دعوت به کار کنید. این بزرگترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود»، نخست وزیر هم از مردم میخواهد که «انقسام» را جایگزین «انقسام» کند و اعلام می کند: «انتقام بی است، بعد کافی انتقام گرفتم و حالا باید انضباط را پیشه کنیم تا بتوانیم به کارها بپردازیم». نخست وزیر که میخواهد مبالغ هنگفتی را، که رژیم سابق پرداخت کند، و در واقع ادامه سلطه مالی «بانک های دیگر داخلی» را، که عموماً متعلق به امپریالیستها هستند، بر اقتصاد کشور رسماً می پذیرد، خواهان لغو قراردادهای اسارت بار با امپریالیستها هم نیست.

نخست وزیر می گوید: «ما وارث قراردادهای و سفارش های هستیم که نه می توانیم آنها را ندیده بگیریم و نه از آن طرف به راحتی و سادگی انجام دهیم که اینها برای امور عمرانی از قبیل سیلو، برق، معدن، کارخانه و هواپیما لازم است». او با اینکه نتیجه می گیرد که تمام قراردادهای «بمنفع طرف» است، و به «ضرر ما» اعلام می کند که: «و چنین چاههای و بلی که دستگاههای گذشته کنده اند، مملکت ناچار باید درون آن بیفتد و خفه شود».

این چاه ویل، که بقول نخست وزیر، مملکت ناچار باید در آن خفه شود، همان سرمایه داری وابسته است که نزه خواستار عفو و بازگشت عمل آن و نخست وزیر، خواهان حفظ قراردادهای اسارت بار آنست. بسخن دیگر بازگشت همان سیستمی که انقلاب ایران آنرا با دامن هزاران شهید درهم شکسته است.

بورژوازی لیبرال برای حقوق کردن انقلاب خواستار از کار انداختن ارگانهای آن است. نخست وزیر بشدت به شوراهای سرپایان و کارگران حمله می کند و برای چندمین بار از وجود کمیته ها اظهار ناراحتی می کند و نزه برای تیره سرمایه داران خونخوار وابسته به امپریالیسم، به دادگاههای انقلاب حمله میکند و می گوید: «ولی اشتباه دادگاهها سبب شد که افراد بیگناهی (البته از نظر عدم ارتکاب آدمکشی) اعدام شوند». او باین ترتیب القابیان و خرم را، که جنایات آنها بجهت، پیرویه زحمتکشان، بیشترین لطامات را زده، «بیگناه» می شناسد و اعدام آنها را «اشتباه» میداند.

روشن است که حزب توده ایران هوادار اصولی و پیگیر دمکراتیکم انقلابی است و وظیفه عده نیروهای انقلابی را، در لحظه کنونی، مبارزه برضد امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، سهیونسم و بازماندگان رژیم سرتگون شده، و قبل از همه عمال ساواک، و وابستگان به رژیم سرتگون شده، یعنی سرمایه داری بزرگ وابسته میداند. حزب توده ایران که خود هوادار اصولی و پیگیر تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک است، تأمین و تضمین واقعی حقوق و آزادیهای دمکراتیک را فقط در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و پیروزی این مبارزه ممکن میسورد.

حزب توده ایران مواضع بورژوازی لیبرال را، صرف نظر از پوشش آن، سازشکارانه، ناپیگیر و غیر قاطع میداند و این مواضع را پیرویه در مبارزه با ضد انقلاب زیان بخش و خطرناک تلقی میکند.

حزب توده ایران، وفادار به مشی اصولی خود، بار دیگر از همه میهن پرستان و آزادیخواهان، از همه عناصر ملی و ضد امپریالیست، از همه نیروهای انقلابی دعوت میکند که با اتحاد خود «در جبهه متحد خلق»، بمقابله، با ضد انقلاب بر خیزند و با سرکوب ضد انقلاب، راه برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب هموار سازند.

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

مائوئیسم و انقلاب ایران

در ایران چندین گروه مائوئیستی پدید آمده که میکوشند بویژه محیط دانشگاهی را با انواع انتشارات مبتذل و کم ارزش پر کنند و با ایجاد آشفته فکری و تفرقه در جنبش انقلابی، بر سر راه آن ایجاد مانع نمایند. این گروهها، مائوئیست بودن خود را بشدت انکار میکنند تا اولاً مسئولیت خرابکاری بزرگ چندین ساله مائوئیسم را در جنبش انقلابی ایران و جهان بعهده نگیرند و جوابگویی هیچ واقعه و حادثه‌ای نباشند، ثانیاً با تغییر شناسنامه و آدرس، احتمالاً از خشم توده‌ها مصون بمانند و بتوانند به خرابکاری خویش ادامه دهند. کاریکه بیشتر شایسته شهادت و حرافه است تا سازمانهای سیاسی، وقتی مائوئیستی هویت خود را دانسته انکار میکنند، باید دانست که خرابکاری اوصمدی و حساب شده است.

گروههای مائوئیستی به انقلاب ایران از این دیدگاه اصلی و تعیین کننده مینگرند که، خطر اصلی «سوسیال امپریالیسم روس» است و انقلاب ایران نیز، از آنجا که دامنه نفوذ «سوسیال امپریالیسم» را گسترش میدهد، قابل دفاع نیست. البته کسانی که حتی هویت خود را پنهان میکنند، طبیعی است که عقیده ضد انقلابی و خرابکارانه خویش را نیز به صراحت بیان نخواهند کرد. با اینحال نوشته‌های مائوئیست‌ها بعد کافی صریح است.

گروه «اتحاد مبارزه» مدعی است که «سیاست ارباب - (ابر قدرت روس)» تغییر کرده و «تهاجمی» شده است و گویا همین سیاست «تهاجمی ابر قدرت روس» است که،

«امریکا و متحدین اروپائیش را وامپدارد تا برای مقابله با تهاجم رقیب، که از موقعیت و امکانات مناسبی برای بهره برداری از جنبش خلق ایران برخوردار است، گامهای خود را برای تمهید یک سازش بر اساس عقب نشینی حساب شده سرعت بخشد»

این فکر خرابکارانه که، خطر از جانب شوروی است و او است که از موقعیت و امکانات مناسبی برای بهره برداری از جنبش انقلابی ایران برخوردار است و تدارکات چنایکارانه امپریالیسم امریکا چیزی نیست جز عکس العمل در برابر «تهاجم رقیب»، مانند نخ سرخی از میان همه نوشته‌ها و گفته‌های همه گروههای مائوئیستی میگردد. گروه «رزمندگان» خطر را حتی جدی تر از این میبیند و مردم را از «کودتای روسی» میترساند و میثوسید،

«او (حزب توده ایران) در پی جایگزینی سلطه سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم امریکاست... برای او ایجاد شرایطی که بتواند در آن دست به یک کودتای نوع روسی بزند کافی است.»

گروه «یکپار» پس از یک کتاب دشنام کثیف - نقل و نبات محافل مائوئیستی - که نتایج حزب توده ایران میکند، همین هشدار را تکرار میکند که حزب توده ایران،

«نوکران و چاکران حلقه بکوش سوسیال امپریالیسم... هم اکنون نقش جاسوس روسها را در ایران بازی میکند و میخواهد راه را برای سرمایه‌های (۱) روسی در ایران هموار سازد.»

یک گروه دیگر مائوئیست از تشدید مبارزه ضد امپریالیستی نگران است و میگوید، عمده کردن جنبه ضد امپریالیستی مبارزه «سبب» فراموش کردن جنبه ضد سرمایه‌داری وابسته انقلاب» میشود. گروه دیگر بر نامه‌ای مرکب از هفت ماده، بعنوان پایه اتحاد همه گروههای مائوئیستی پیشنهاد میکند، که ماده دوم آن چنین است،

«۲- موضع گیری قاطع و علمی روی سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران فارسی زبانش، کمیته مرکزی خائن حزب توده».

اما در این برنامه هفت ماده‌ای، حتی اسم امپریالیسم هم نیست! نباید هم باشد. مبارزه با امپریالیسم نقطه مشترک گروههای مائوئیستی نیست. همکاری با آن وتلاش برای منحرف کردن جنبش مردم ایران از مبارزه با امپریالیسم سوسیال اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، پایه اصلی و علت وجودی این گروههاست. اینان هر قدر بخواهند زایندهگان خود را انکار کنند، هویتشان آشکار است. آنها قارچه‌های سمی هستند که بروی تنه پوسیده و متلاشی شده مائوئیسم روئیده‌اند، نه ریشه‌های در جامعه دارند، نه شاخ و برگ میسر تکامل آینه‌دهند.

در گذشته، زمانی که مائوئیست‌ها، برخلاف امروز، دفاع از «اندیشه‌های تانیاک صدرماو» را بزرگترین افتخار خود میدانستند، برای پیشبرد هدفهای ضد انقلابی خویش به این اندیشه‌ها متوسل میشدند. آنها در برابر «انقلاب واقعی» انقلاب من در آوردی مائوئی را قرار میدادند و از همه میخواستند که بجای شرکت در جنبش واقعی انقلابی، بروند و از طریق دهات شهرها را محاصره کنند و تمام جهان را از لوله تفنگ بنگرند و غیره. امروز این حنارتکی ندارد. طشت رسوائی «اندیشه‌های صدرماو» از بام افتاده است. لذا مائوئیست‌ها، برای تدارک خرابکارانه ضد انقلابی خویش، «تئوریهای» دیگری ساخته‌اند. آنها دیگر نمیگویند که انقلاب ایران «دموکراسی نوین» است، بلکه مدعیند که انقلاب ایران در «مرحله دمکراتیک خلق» است. ظاهر آکلمات عوض شده است، ولی در واقع شکر کار همانست که بود، مائوئیست‌ها یک انقلاب من در آوردی در روی کاغذ برای خودشان ساخته‌اند تا هدفهای ضد انقلابی خویش را در پشت سر آن پنهان کنند. خود را بعنوان کسانی که از این انقلاب روی کاغذ دفاع میکنند، بزرگترین انقلابیون جا بزنند، اما با هر اقدام واقعی انقلابی مخالفت نمایند، به این بهانه که با نسخه دروغین پیشنهادی آنان مطابقت ندارد.

چنانکه میدانیم، حزب توده ایران مرحله کنونی انقلاب ایران را بنابه خصلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک آن، مرحله دمکراتیک ملی میدانند و معتقد است که در شرایط امروزی جهان، با تغییر عظیم تناسب نیروها بسود سوسیالیسم این انقلاب میتواند وظایف دمکراتیک را بسود توده‌های مردم - نه بسود بورژوازی - انجام دهد و سببگیری سوسیالیستی داشته باشد. قاعده‌ها با هر بخش از این تحلیل، اگر میتوان مخالفت کرد، با خصلت ملی - ضد امپریالیستی - انقلاب ایران نمیتوان مخالفت نمود، اما عقیده‌ای است که گروههای مائوئیستی ایران درست خصلت ملی این انقلاب را نمی‌بینند و مرحله «دمکراتیک خلق» را برای این پیش میکنند که خصلت ملی ندارد.

این فکر در تمام انتشارات مائوئیستی به کرات نوشته شده که ما، بعنوان نمونه، انمکس آنرا در یکی از نوشته‌های «دانشجویان پیشکام» می‌آوریم، «دوران انقلاب دمکراتیک ملی ایران بسر رسیده است و تنها انقلاب دمکراتیک توده‌ای در ایران میتواند انجام پذیرد.»

کی و چگونه دوران انقلاب دمکراتیک ملی ایران بسر آمد، کی مبارزات ضد امپریالیستی پایان رسیده؛ موافق کدام تجربه و یا تئوری، پس از بسر آمدن انقلاب دمکراتیک ملی (بفرض که بسر آمده باشد)، نوبت به انقلاب دمکراتیک توده‌ای میرسد؛ گروهک های مائوئیستی باین پرسشها پاسخ نمیدهند. قرار هم نیست که پاسخ بدهند. هدف آنها پراکندن آشفته فکری و فرستادن جوانان ما آگاه بدنبال نخود سیاه است. آنان هر چه بتوانند آشفته فکری را تشدید می‌کنند. هدف آنها نفی خصلت ضد امپریالیستی جنبش و خرابکاری در جنبش انقلابی است. ولی برای اینکه در همین حال بهانه‌ای داشته باشند که خود را «مارکسیست - لنینیست» قلمداد کنند، اینجا و آنجا از این لنین «دو تاکتیک» سوسیال دمکراسی در انقلاب روس، نقل قول میکنند و میکوشند چنین وانمود سازند که گویا درباره انقلاب ایران، باید عیناً همانطور قضاوت کرد و همان آرایش نیروها را پذیرفت که در انقلاب اول روس (۱۹۰۷ - ۱۹۰۵). به این ترتیب مائوئیست‌ها به خود حق میدهند، ضمن تحریف ناچوا نمرده‌ها و خرابکارانه اندیشه‌های درخشان لنین، هویت مائوئیستی خود را پشت ماسک دروغین دفاع از لنین پنهان کنند. بنا به نوشته مائوئیست‌ها، آرایش نیروهای طبقاتی در انقلاب کنونی ایران چنین است:

«بجز حزب توده ایران و بقیه لیبرالها (بورژوازی متوسط) بقیه نیروهای موجود جامعه همه خواهان سرنگونی کامل رژیم هستند. ما به این نیروها میگوئیم دمکرات. دمکرات یعنی کسی که خواهان گاو بندی و تیانی بارژیم نیست و مسم است که رژیم را سرنگون کند. نیروهای دمکرات جامعه قانون اساسی را قبول نمیکنند. این نیروها عبارتند از: دهقانان و خرده بورژوازی شهر.»

در این جمله هم، مانند هر جمله دیگر گروهکهای مائوئیستی، جای سالم وجود ندارد. از اعلام این ادعای مسخره که حزب توده ایران نمایند بورژوازی لیبرال است، تا بحث از یک حزب سیاسی در کنار طبقات و قشرهای اجتماعی

اما نکته مهمتر اینجاست که گروهک مائوئیستی، نه فقط کلمه امپریالیسم و خصلت ضد امپریالیستی جنبش، بلکه اصولاً تاثیر نبود ضد امپریالیستی را در آرایش قوای طبقاتی بطور کامل حذف کرده است. اولاً از طبقه بورژوا فقط از قشر متوسط آن سخن می‌گوید و تکلیف بورژوازی بزرگ و کوچک را معلوم نمیکنند. ثانیاً بورژوازی متوسط را نیز نه از نقطه نظر مناسباتش با امپریالیسم - خصلت ملی و ضد امپریالیستی - بلکه از نقطه نظر روشهایی که برای حل اختلافاتش با امپریالیسم برگزیده (لیبرال یا قاطع) بررسی میکند، ثالثاً اتحاد کارگران با دهقانان و خرده بورژوازی شهر را نیز اتحاد ضد امپریالیستی نمیداند، بلکه با اصطلاح دمکراتیک میداند، آنهم با آن تعریف مبتذل که از کلمه دمکرات کرده است.

این آرایش قوا، علاوه بر تمام نقائص دیگر، در ظاهر بسیار چپ روانه مینماید، زیرا اگر گروهک مائوئیست حتی بورژوازی متوسط را درست کنار گذاشته، میخواهد «جمهوری دمکراتیک خلق» تشکیل دهد، که عبارتست از حکومتی که بر اثر اتحاد کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر بوجود بیاید. آنها ولی در واقع امر آقایان مائوئیست آنقدرها هم چپ رو نیستند. آنها به آسانی آماده‌اند که با بورژوازی لیبرال (و نه با بورژوازی ملی) کنار بیایند. نویسنده مائوئیست از خود میپرسد،

«حال باید ببینیم که در این میان سر نوشت بورژوازی متوسط (لیبرال) چه خواهد بود؟»

«حال اینجا دو حالت پیش می‌آید. ممکن است بورژوازی لیبرال حاضر شود بطور جدی علیه رژیم مبارزه کند. آنوقت میتواند به صف خلق بپیوندد. ممکن است ... حاضر نباشد مبارزه جدی کند ... در این صورت هم چنان بعنوان خائن به خلق تلقی شده و در برابر خلق قرار خواهد گرفت.»

چنانکه ملاحظه میکنید، آنهارت و هورت ظاهری مائوئیستی، در عمل تسلیم طلبی از آب در می‌آید. آقای مائوئیستی که حاضر نیست بورژوازی ملی - ضد امپریالیست را در صفوف خلق بپذیرد، برای بورژوازی لیبرال - یعنی درست همان قشر بورژوازی که از ترس مردم بسوی سازش با ارتجاع مهرزد - راه باز میکند، اهمیت این مطلب بیشتر می‌شود اگر توجه کنیم که گروهک «یکپار» دهقانان را هنوز بطور عمده یکپارچه میداند و بورژوازی ده را، که قشر پر قدرتی است، در لای انگشتانش پنهان میکند.

ادامه دارد

- ۱- «مبارزات ملی و طبقاتی در ایران»، ص ۱۱ (تکیه از ماست)
- ۲- «چرا پیشاهنگان پرولتاریا بدامان ریویزیونیسم سقوط میکنند»، ص ۱۱
- ۳- «درباره جمهوری دمکراتیک خلق»، ص ۱۸
- ۴- «جزوه «چرا پیشاهنگان...»، ص ۲۷ (تکیه از ماست)
- ۵- «تحلیلی کوتاه از وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران»، گروهک «حیدر عمواغلی»، ص ۱۳
- ۶- «پیرامون شعار «برقرار باد حاکمیت خلق»، سازمان دانشجویان پیشکام».
- ۷- «درباره جمهوری دمکراتیک خلق»
- ۸- همان نوشته ص ۲۰
- ۹- همان نوشته ص ۲۱ - ۲۲
- ۱۰- همان نوشته ص ۲۱ و ۲۲

کتاب تازه - افسانه‌های طلاهای ایران

مخالف ضد کمونیستی چندین سال متوالی است که یک نفس فریاد می‌زند، «اتحاد شوروی طلاهای ایران را به مصدق پس نداد، نگاه داشت و به دولت کودتائی زاهدی داد» در این ادعا سر سوزنی حقیقت وجود ندارد. افسانه «طلاها» یکی از ساخته‌های تبلیغاتی دوران جنگ سرد است که محافل ارتجاعی و امپریالیستی برای اخلال در مناسبات ایران و شوروی بکار انداختند. کتاب «افسانه طلاهای ایران» نوشته ف. م. جوانشیر، از انتشارات حزب توده ایران، که روز دوشنبه ۱۳ خرداد انتشار یافت، چگونگی پیدایش این افسانه و ماهیت آن را فاش میکند.

طرحی برای سرود من، برادر توام!

رزم ما همان نبرد اولین ما
رزم ما همان نبرد آخرین ما است :
چنگ رنجبر بصدگنج پر.
جیبه را دگر مکن!
من به جیبه‌های آزموده میروم.

رنگهای تازه آمدست
نقش‌های تازه، نمه‌های نو.
نویز پرواز تو خوه شدی، دروغ
توسوی آنچه دل ز تو روده میروم
من بسوی آنچه دانش زمانه‌ام نموده،
میروم

می‌شناسم ام اگر تکه کنی
من، برادر توام!
راه کج مکن زین، بهرزه، روترش مکن
باز گردو بنگرم
من بسوی آنچه پوده، پاک بوده میروم.

میروی بخاله، فاتحانه، شادمان.
به وی به بسترای رفیق
میروی بخواب.
شب خوش

من بوعده‌گاه دیدگان ناغوده میروم.
هر کسی براد خویش میروم
من برادر توده میروم.

فرهاد ره‌آورد

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی ...

پایین هستند. اینها حقوق بشر را می‌دانند
(عمل می‌کنند).

امام در دنباله حرف‌های خود چنین گفت:

«جمعیت زاغه نشینان اطراف شهرها که ۷ نفر و ۸ نفرشان در یک سو را زندگی میکنند، اینها حقوق بشر را بهتر تأمین و اینها جمعیت دلسوز برای بشر هستند. اینها جمعیت حقوق بشرند نه من و شما. یباید برای اینها فکری بکنید.»

امام در بخشی از سخنان خود طبقات بالای اجتماع را صاحب هیچ حقی ندانست و خطاب به مردم گفت:

«از ۱۵ خرداد تا حالا شما خون داده‌اید. من که اینجا نشستام هم هیچ حقی ندارم. ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خاک برس من، خاک برس من اگر بخواهم استفاده عنوانی بکنم. طبقه‌های بالا، آنهایکه هیچ فعالیت نداشته‌اند و مخالفت هم نمی‌کردند، حتی ندارند و نباید داشته باشند، لیکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق میشوند و من مایوسم از اینکه آنان خدمت بکنند.»

امام در سخنان خود اعلام کرد که مخالفین میخواهند میوه زحماتی را که ملت کشیده‌اند بچینند و از همه ملت خواست با هم متحد شوند. امام گفت:

«برادران من از هر قشری که هستید هنوز وقت نگذشته است. وقت توبه باقی است، یباید برادروار یا ملت در اینراه راهپیمائی کنید. یکی از شما هم داخل این جمعیت نیست. یباید با این مردم همراهی و همصدا باشید.»

رقفا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند:
Sweden
Stockholm
Sparhanken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Jakman

حق بار رئیس ستاد است

تیمسار سرلشکر فرید، رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی بیاناتی که ۱۲ خرداد در جمع پرسنل ارتش در یادگان لویزان ایراد داشت، به مطلب بسیار مهم و بسیار جالب توجهی اشاره کرد. وی گفت: «هنوز بما رسماً نرفته‌اند که ما غیر متعهد هستیم، این فقط استنباط هست، هنوز برای ما چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست. گفته رئیس ستاد واقعیتی است نه فقط اسفناک، بلکه مایه نگرانی جدی. نگرانی نسبت به دو مسئله، که هر دو برای انقلاب ایران و آینده آن حیاتی هستند و عبارتند از: اولاً اساس و سنسکری سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران و ثانیاً اساس و سمت و مسیر نو-سازی ارتش.

درباره مسئله نخستین باید گفت: اینکه برای مقامی نظیر ریاست ستاد کل ارتش چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست، بدلیل اینستکه بی‌بردی بگوئیم- سیاست خارجی دولت پرمینای دفاع از استقلال کامل ایران در برابر امپریالیسم پی‌ریزی نشده، ستمگری آن قاطعانه ضد امپریالیستی نیست. انقلاب ایران، از لحاظ محتوا و هدف خود ضد امپریالیستی است و سیاست خارجی دولت، بعنوان ادامه سیاست داخلی، در عرصه بین‌المللی میبایستی ضد امپریالیسی باشد. چون متأسفانه این سیاست خارجی دارای قاطعیت ضد امپریالیستی نیست و نیز نمیتواند مانند گذشته

انقلاب توفان‌گونه مردم‌ما که ضرباتی سهمگین بر ریشه استبداد و استثمار افراشته کرده است. امریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، وارد آورد، طبیعتاً می‌بایست دشمنانی در میان امریالیست‌ها و اعمال و ایادی آنها در منطقه داشته باشد. خون‌ینمایی که همه جهان خوران آزمند و اعمال آنها در لقمه‌های چرب نفت و سایر منابع سودزای آن به حساب مردمی، قهر گرفته و محروم سهم‌های کلان می‌برند، بر چیده شد و تا حدی موجبات قطع این فارتگرها فراهم آمد.

سردمداران آن دسته از مقامات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در منطقه، که به دستور اربابان ماوراء بحار می‌بایست به اشکالی گوناگون-چه به صورت دریافت وام‌های چند صد میلیون دلاری و چه به

ارتش مستقل و مردمی، ملی و دموکراتیک بپردازد. چرا که او نیز در تدوین مبانی این نوسازی و ستمگری آن «ناروشن» است. و این دومین مسئله مهم و حیاتی برای سرنوشت انقلاب ایران است. رئیس ستاد بدرستی میگوید که وظیفه ارتش باید دفاع از مرزهای کشور باشد، یعنی ملی باشد و ارتش باید خلقی و مردمی یا دموکراتیک باشد، یعنی با مردم و همراه مردم از دستاوردهای انقلاب دفاع کند، در خدمت پیشرفت انقلاب باشد. ولی تحول ارتش به ارتشی ملی و دموکراتیک، فقط زمانی ممکن میگردد که سیاست دولت از موضع استقلال کامل کشور، دفاع از استقلال و مصالح کشور در برابر سلطه طلبی امپریالیسم «روشن» و قاطع باشد زیرا ارتش، علی‌القاعده، ابزاری است در دست دولت برای اجرای سیاست دولت.

می‌نهادند، خطاست. در اخلاق انقلابی اصولی وجود دارد که باید مراعات شود. مانند انسان‌گرایی انقلابی، اصولیت انقلابی، انطباق کردار و گفتار، صداقت انقلابی، فداکاری و نزاکت و ادب و غیره و غیره.

یک انقلابی تا موافق این موازین عمل نکند، قادر نخواهد بود اعتبار اجتماعی کسب کند و مورد اعتماد قرار گیرد، و یک انقلابی تنها زمانی که مورد اعتماد قرار گیرد، قادر است دارای وسیع‌ترین نفوذ در محیط خود شود و کارائی عمل مبارزه‌ای خود را ده‌چندان کند. اگر فردی مدعی تفکر و فعالیت انقلابی باشد، ولی از خود، خودخواهی، حسابگری، مقام‌پرستی، زیرکی‌های دیپلماتیک، محافظه‌کاری، ابتکار واقعیات، توجیه اشتباهات، بی‌ادبی و بی‌نزاکتی، جدل و سفسطه و غیره نشان دهد، این فرد عملاً به پیشرفت روند انقلاب زیان جدی میرساند، و علی‌رغم تصور ذهن خودش که یک انقلابی است- یک انقلابی نیست.

نه فقط انقلابی بودن، بلکه بقول گورکی، «انسان بودن وظیفه عظیمی است.» یک انقلابی نه تنها باید از آگاهی سیاسی و لیاقت و تدبیر سیاسی بهره‌مند شود، بلکه در عین حال باید انسان‌های شریف و بشردوست و باوجدان باشد و اعتماد و محبت محیط را جلب کند. ذکر این سخنان روی صفحه کاغذ جور است، ولی در زندگی عملی ناسور- همت و قدرت فسانی بزرگی لازم است تا شخص بر ذهنیات ناسالم خود غلبه کند و به بازپروری خویش موفق شود. جامعه غالباً ما را چنانکه باید نپرورده است. همه‌ما به بازپروری انقلابی خود نیازمندیم تا آگاهی، لیاقت و شرف و وجدان را بحد ضرورت کسب کنیم. جامعه ایران بچنین نسلی از انقلابیون نیاز برحد دارد: به نسلی از انقلابیون طراز نوین، که در سطح لازم دانائی، کوشائی و شرف انقلابی هستند.

انقلابی بودن، نه تنها یک شیوه اندیشه، بلکه همچنین یک شیوه عمل است

برخی از انقلابیون تصور می‌کنند که اگر جهان بینی و مشی انقلابی را بپذیرند و بان ایمان آرند و در راه آن مبارزه کنند، دیگر نقشی از جهت انقلابی بودن ندارند. در واقع هم ایمان به اصول جهان‌بینی انقلابی طبقه کارگر و عمل به آن، شروط اساسی برای انقلابی بودن است. ولی این سؤال پیش می‌آید: «عمل بچه شیوه؟» شیوه یا سبک در عمل، مانند منطق در تفکر و ذوق در امور هنری، دارای اهمیت فوق‌العاده است. اگر شیوه عمل فرد انقلابی ناشی از جهان بینی انقلابی او نباشد، بلکه ناشی از سیمت‌های دیگر تفکر غیر انقلابی و غیر پرولتری باشد، نقائص شکفتی در کار پدید می‌آید. مثلاً دیپلماسی بورژوازی موافق شیوه «هدفها توجیه کننده» وسایل‌اند، عمل می‌کند. یعنی همینکه شما به صحت هدف خود باور داشتید، دیگر مهم نیست که برای نیل بدان هدف، چه شیوه‌ها و وسایلی را بکار خواهید برد. در عرف سیاسی، این شیوه عمل را «ماکیاولیسم» مینامند مطابق اسلوب ماکیاولیستی عمل، همه چیز برای نیل به هدف مجاز است: دروغ، فریب، توطئه، قسوت، نقض موازین وجدانی و اخلاقی تا حد ایجاد مقصدهای خونین- همه و همه چیز روا است، برای آنکه شما به هدف خود برسید! آیا ما توده‌ایها باشیم ماکیاولیستی عمل موافقیم؟ نه! ابتدا مارکس صریحاً می‌گوید: به هدف‌های شریف، تنها یکمک وسایل شریف میتوان رسید. شیوه ماکیاولیستی عمل برای بورژوازی، که هدفش غیر شریف است (بهره‌کشی

قابوس از که الهام می گیرد و سرنخ توطئه‌ها کجاست؟

سلطان قابوس است که با پدرکشی و اتکاف بر سر نیزه آنکلیس امتحان جنایت و خیانت را تماماً آغاز کرد. وی در هنگامی که خلق‌های عرب و فلسطینیها برای استرداد سرزمینها و حقوق منسوب خود و برای تحصیل استقلال لگد مال شده خود به با خواسته‌اند و باید بهش ازبیش بر اتحاد و یکپارچگی همه نیروهای عرب و فلسطینی متکی باشند، «یهود» وار خلق‌های عرب و فلسطین را به دشمن می‌فرشد. درست در هنگامی که ناوگان امریکا، بتبعیت از سیاست سنتی امپریالیستی «کشته‌های توپدار»، در آب‌های میجاور کانوهای جنبش استقلال طلبانه خاورمیانه مانور و قدرت نمایی می‌کند، دقیقاً هم‌زمان با مجاهدات ملت‌های صادر یقیه در صفحه ۵

شکل کم‌های گوناگون نظامی- از منابع مالی و انسانی ما تغذیه می‌شدند و اینک از آن بی‌نصیب مانده‌اند، همه اینک دست اندر کار تحریک و تخریب علیه جنبش انقلابی مردم ما شده‌اند. آنچه ناگفته و ناموده پیداست سر نخ این تحریکات است که در واشنگتن توان دیدش، آنجا که امپریالیسم یانکی و صهیونیسم در سوک باخته‌های کم‌شکن اقتصادی و استراتژیک خود در قلب خاور میانه - ایران - نشسته‌اند. بنا بر این می‌بایست انتظار داشت که در منطقه تلاشها و تحریکات مذبح‌خانه‌ای از طرف نوجه‌ها و کوچک ابدال‌های امپریالیسم و صهیونیسم نیز علیه جنبش انقلابی مردم ما بعمل آید. یکی از این نوجه‌ها و کوچک ابدال‌ها

یادرفیق عزیز یوسفی گرامی باد

۱۵ خرداد، یک سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت. سال پیش، در چنین روزی، رفیق یوسفی، که ۱۴ ماه بیشتر نبود از زندان شاه آزاد شده بود، ناگهان در تهران درگذشت. یک او، این قبرمان توده‌ای، که ۱۸ سال از زندانی به‌زندانی دیگر تبعید شد و ۱۸سال استوار و دلاور، وفادار به آرمان های حزب ما و زحمتکشان ایران در زندان ها با رژیم شاه رژیم، آخرین مدیه نظام آریامبری به او بود. شرایط دشوار زندان ابتدا او را به عوارض قلبی و ریوی مبتلا کرد و بی-اعتنایی دژخیمان شاه مخلوع، این بیماری را چنان در او ریشه‌دار کرد که در ۵۱ سالگی چشم های رفیق قهرمان ما را بر جهان بست. رفیق عزیز یوسفی در زندان‌های شاه خائن، مظفر وفاداری به آرمان های خلق و حرب ما بود. او همیشه می‌گفت: «ما هزاران نفر بودیم. هزاران نفر از ما شیبید شدند یاد زندان‌ها پوسیدند. هزاران نفر از ما به میدان مبارزه پشت کردند. هزاران نفر در نیمه راه ماندند. اما هنوز هزاران نفریم، حزبی با اینهمه شیبیدو تاریخ و ماجرا، با این همه سخت جانی و فیروزی حیات و مقاومت، نمی‌تواند بیروز نشود. اگر همه جهان دروغ باشد، این حقیقت دروغ و افسانه نیست...» انقلاب مردم، عزیز را آزاد کرد. او در میان مردمش خاموش شد. دژخیمان شاه مخلوع حتی از برگزاری مجلس ختم این توده‌های قهرمان جاوگیری کردند. اما خلق کرد، مراسم تشییع جنازه او را به تظاهرات وسیعی بدل کرد، که در آن راه حزب عزیز، راه تابناک توده‌ها، راه مبارزه باستم و استثمار در خشم و خروش توده‌ها تأیید شد. تابناک باد خاطره رفیق قهرمان توده‌های عزیز یوسفی، رفیقی که به صف شهیدای حزب توده ایران پیوست.



رفیق فقید عزیز یوسفی

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری- های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته فرور- انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به‌حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند. کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۷۷۴۸، ۹۳۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند: حساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۳۴۳۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق